



# واکاوی روابط قدرت، هویت و ایدئولوژی در گفتمان دینی شیعه بر اساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی: دعای افتتاح)

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۹

عزت ملا ابراهیمی<sup>۱</sup> زاهد مهدویان مقدم<sup>۲</sup>

## چکیده

دعای افتتاح یکی از مهم‌ترین متون نیایشی شیعه در ماه رمضان، فراتر از نیایش فردی، حامل دلالت‌های ایدئولوژیک و هویت‌ساز است. این پژوهش به روشی توصیفی تحلیلی و با کاربست الگوی سه‌بعدی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، به واکاوی این دعا در سه سطح متن، رویه‌های گفتمانی و عمل اجتماعی می‌پردازد. در سطح متنی، تحلیل واژگان و ساخت‌های نحوی نشان داد که دعا با افعال امری، ضمایر جمع و مفاهیم کلیدی چون «دولت آرمانی» و «قاصم الجبارین» میان نیایش فردی و پروژه جمعی عدالت پیوند برقرار می‌کند. در سطح رویه‌های گفتمانی، روشن شد که این دعا در بستر آیین‌های جمعی و سنت‌های روایی بازتولید می‌شود و از طریق بینامتنیت قرآنی و روایی، مشروعیت و انسجام می‌یابد. در سطح عمل اجتماعی، دعای افتتاح نه تنها حامل ایدئولوژی مهدوی است، بلکه هویت جمعی شیعیان را تقویت و رابطه‌ای دیالکتیکی میان مؤمنان و نظم مطلوب عدالت جهانی ترسیم می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دعای افتتاح متنی آیینی سیاسی است که همزمان کارکرد عبادی، هویتی و مقاومت‌گرایانه دارد و فهم آن در بستر تاریخی اجتماعی شیعه ضروری است.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل گفتمان انتقادی، هویت شیعی، ایدئولوژی مهدوی، نورمن فرکلاف، دعای افتتاح.

۱. استاد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول): mebrahim@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران:

Zmahdavian88@gmail.com

## ۱. مقدمه

۱-۱. **طرح مسئله:** مناجات‌ها و نیایش‌ها در گفتمان توحیدی شیعه، همواره فراتر از کارکردهای عبادی صرف بوده و نقش مهمی در بازتولید معنا، هویت و ایدئولوژی ایفا کرده‌اند. «دعای افتتاح» یکی از دعا‌های شاخص ماه رمضان، جایگاهی ویژه‌ای در مناسک عبادی و جمعی شیعیان دارد. این دعا با تأکید بر مفاهیمی کلیدی چون امامت، مهدویت، عدالت‌ورزی و ظلم‌ستیزی نه تنها زبان نیایش را سامان می‌دهد، بلکه به بازآفرینی هویت جمعی و مرزبندی‌های گفتمانی نیز کمک می‌کند. با وجود این اهمیت، بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده درباره این دعا، معطوف به تفسیر روایی، تاریخی یا کارکرد عبادی آن بوده و کمتر به ماهیت گفتمانی آن از منظر زبان‌شناختی و انتقادی توجه شده است.

در این میان، تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) به‌ویژه الگوی سه‌بعدی نورمن فرکلاف، امکانی فراهم می‌کند تا از سطح معنای ظاهری متن فراتر رود و سازوکارهای زبانی و گفتمانی تولید قدرت، هویت و ایدئولوژی در این دعا آشکار شود. خلأ پژوهشی موجود این است که «دعای افتتاح» تاکنون با این رویکرد واکاوی نشده است. از این رو، مسئله اصلی این پژوهش فهم این نکته است که چگونه این دعا در سه سطح متن، رویه‌های گفتمانی و زمینه اجتماعی، به بازتولید و مشروعیت‌بخشی روابط قدرت، هویت جمعی و ایدئولوژی شیعی می‌انجامد.

۱-۲. **اهداف پژوهش:** اهداف این جستار در پنج محور اصلی به این شرح قابل بیان است:

۱. شناسایی و تحلیل ویژگی‌های زبانی و بلاغی در متن دعای افتتاح (واژگان، استعاره‌ها و ساخت‌های نحوی).

۲. واکاوی شیوه‌های تولید و بازتولید گفتمان دعای افتتاح در بستر آیینی و جمعی.

۳. بررسی ارتباط میان محتوای دعای افتتاح با زمینه‌های اجتماعی و مناسبات قدرت

در سنت شیعی.

۴. تبیین نقش دعای افتتاح در شکل دهی به هویت جمعی و مرزبندی «ما» و «دیگری».

۵. نشان دادن ظرفیت‌های روش‌شناختی تحلیل گفتمان انتقادی در مطالعه متون دینی.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش: این تحقیق در پی یافتن پاسخ به این پرسش‌هاست:

۱. دعای افتتاح چه نقشی در تقویت مؤلفه‌های هویت شیعی دارد؟

۲. چه نسبتی میان مضامین دعای افتتاح و ساختارهای قدرت و ایدئولوژی شیعی برقرار است؟

۳. دعای افتتاح چگونه به ترسیم مرزهای هویتی «ما» (مؤمنان / شیعیان) و «دیگری» (ظالمان / منافقان) می‌پردازد؟

۱-۴. پیشینه پژوهش: پژوهش‌های مرتبط با مناجات‌ها و نیایش‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در سنت اسلامی تا دهه اخیر در سه حوزه مطالعات روایی و تاریخی، مطالعات کلامی و تفسیری و مطالعات کارکردشناختی متمرکز بوده است. این پژوهش‌ها عمدتاً یا به بررسی اسناد روایی، سلسله‌روایان و جایگاه تاریخی دعاها در میراث حدیثی پرداخته‌اند یا با تحلیل محتوای عقیدتی دعاها، جایگاه آن را در الهیات شیعی تبیین یا آن‌ها را از منظر علم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بررسی کرده‌اند. با این همه مطالعات اندکی درباره «دعای افتتاح» صورت گرفته که به این شرح است:

سوسن آل رسول و فاطمه رهنما در مقاله «قرآن و ماه مبارک رمضان: ویژگی‌های حضرت علی (علیه‌السلام) در دعای افتتاح»، در مجله مطالعات قرآن و حدیث سفینه، بیان کرده‌اند که تا و بود این دعا همچون دیگر نیایش‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) با مسئله امامت درآمیخته و در خلال آن به اوصاف فراوانی از حضرت علی (علیه‌السلام) اشاره شده است. همین نویسندگان در مقاله دیگری با عنوان «تحلیل نبوت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از زبان امام معصوم (علیه‌السلام) در دعای افتتاح»، به تبیین ویژگی‌های پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرداخته و گفته‌اند که برشمردن اوصاف نبوی از

قبیل برگزیده، مبلغ و حافظ سرّ الهی بودن از بارزترین مبانی نبوت در این دعا بوده است. محمد ازگلی و حمید ملامیرزایی در مقاله «درآمدی بر شناخت دولت آرمانی مکتب تشیع»، چاپ شده در مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت گفته‌اند که تشکیل دولت آرمانی مهدویت، امر بسیار خطیری است و شاید جزو اصلی‌ترین مبانی اهداف انبیای الهی در طول تاریخ باشد؛ زیرا انسان‌ها در پرتو آن می‌توانند به کرامت‌های الهی دست یابند و در حد شایستگی خود به سوی کمال مطلوب حرکت کنند.

جواد نعمتی در مقاله «ویژگی‌های فرهنگی دولت مهدوی در دعای افتتاح»، در مجله مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، معتقد است که برای ایجاد دولت یا تمدن فراگیر، زیرساخت‌های لازم آن باید تدارک دیده شود. همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای بنیان‌گذاری اندیشه و حکومت اسلامی، شروع به تغییر باور و رفتار مسلمانان صدر اسلام کرد، دولت مهدوی نیز باید برخی باورهای فرهنگی را در جامعه نهادینه کند که انتظار سازنده و مثبت، همراه با فعالیت و زمینه‌سازی از جمله آن‌هاست.

با جست‌وجوهای انجام شده، تاکنون پژوهشی مبتنی بر الگوی سه‌بعدی فرکلاف که به تحلیل متن، رویه‌های گفتمانی و زمینه اجتماعی دعای افتتاح بپردازد، یافت نشد. از این رو جستار حاضر می‌تواند امکان واکاوی دقیق‌تر سازوکارهایی را فراهم کند تا از طریق آن‌ها بازتولید قدرت، هویت و ایدئولوژی در گفتمان «دعای افتتاح» میسر شود.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

گفتمان مفهومی پیچیده و چندجانبه است که «زمینه‌های شناختی گوناگونی از پژوهش‌های ادبی و فرهنگی گرفته تا جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست، هنر، سینما و غیره را دربرمی‌گیرد» (مک دانل، ۱۳۸۰: ۹) و عبارت است از کاربرد زبان به منظور برقراری ارتباط. تحلیل گفتمان نیز «عبارت از توصیف و تفسیر گفتمان بر اساس مبانی و راهبردهای زبان‌شناسی و مبانی و راهبردهای عوامل فرازبانی و جامعه‌شناسی از قبیل بافت موقعیت،

شرکت‌کنندگان در بافت اجتماعی، تاریخ، ایدئولوژی و قدرت است» (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۹-۱۵۰).

تحلیل انتقادی گفتمان<sup>۱</sup>، «رهیافتی میان رشته‌ای است که از جریان‌های فکری متعددی سر برآورده است و خاستگاه مباحث آن را می‌توان در اندیشه‌های نیچه، باختین، فوکو، دریدا، بارت، آلتوسر، گرامشی، مارکس و دیگر متفکران پساساختارگرا جست‌وجو کرد» (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۲۵). نظریه تحلیل گفتمان انتقادی در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شکل گرفت و هدف اصلی آن آشکارسازی رابطه‌های پنهان میان زبان، قدرت و ایدئولوژی بود. برخلاف تحلیل‌های زبان‌شناختی صرف، تحلیل گفتمان انتقادی، بر این پیش‌فرض استوار است که «زبان ابزاری خنثی برای انتقال معنا نیست، بلکه در عمل اجتماعی ریشه دارد و به‌طور مستمر در بازتولید یا چالش نظم‌های اجتماعی مشارکت می‌کند. در این رویکرد، زبان صورت مادی ایدئولوژی است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۶). این امر را آشکار می‌سازد که چگونه روابط قدرت بر روابط بین نهادها و در نتیجه چگونگی شکل‌گیری گفتمان و متن تأثیر می‌گذارد (مکاریک، ۱۳۸۵: ۲۶۰).

پیشگامانی چون نورمن فرکلاف، تئون ون دایک و روت وداک هر یک الگوهای برای مطالعه گفتمان ارائه داده‌اند، اما نقطه مشترک آن‌ها نگاه انتقادی به سازوکارهای زبان در تثبیت نابرابری‌های اجتماعی، بازتولید هژمونی و شکل‌دهی به هویت‌های جمعی است. در تحلیل گفتمان مفاهیمی مانند قدرت، ایدئولوژی و هژمونی بررسی می‌شوند (قهرمانی و بیدار، ۱۳۹۸: ۱۹۳). البته «تاریخ تحلیل گفتمان انتقادی در معنای وسیع‌تر حداقل به مطالعه بلاغی ارسطویی بر می‌گردد» (هارت، ۱۳۹۸: ۲۳). مفهوم قدرت در اینجا صرفاً قدرت سیاسی یا حقوقی نیست، بلکه شامل ظرفیت نامتقارن بازیگران اجتماعی برای شکل‌دهی به معنا و تثبیت هژمونی است. قدرت از طریق زبان اعمال می‌شود و به‌ظاهر «طبیعی» جلوه می‌کند. گفتمان‌ها در فرایند تولید و بازتولید هویت، سوژه‌ها را در موقعیت‌های خاص قرار می‌دهند و مرزبندی «ما» و «دیگری» را به وجود می‌آورند.

1. Critical Discourse Analysis: (CDA)

دعاها، به‌ویژه در سنت شیعی، از مهم‌ترین عرصه‌های هویت‌سازی جمعی به‌شمار می‌روند. ایدئولوژی نیز مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها و باورهایی است که نظم اجتماعی را مشروعیت می‌بخشد. در چارچوب فرکلاف، ایدئولوژی نه در سطح گزاره‌های آشکار بلکه در لایه‌های پنهان زبان و شیوه‌های بازنمایی معنا رخ می‌نماید (قهرمانی و بیدار، ۱۳۹۸: ۱۹۴-۱۹۵).

تحلیل گفتمان فرکلاف به دلیل ساختار منسجم و کاربست گسترده در علوم انسانی و اجتماعی، به‌ویژه در تحلیل متون دینی و سیاسی، جایگاه ویژه‌ای یافته است. نورمن فرکلاف در الگوی خود گفتمان را نه صرفاً به‌عنوان «زبان در کاربرد» بلکه آن را به‌مثابه یک عمل اجتماعی می‌بیند. او برای تحلیل گفتمان سه سطح یا بُعد متمایز ولی درهم‌تنیده قائل است که عبارتند از:

بعد متنی (Textual Dimension): متمرکز بر ویژگی‌های زبانی متن شامل واژگان، استعاره‌ها، ساختار نحوی، انسجام و انسداد معنایی. در این سطح، تحلیلگر بررسی می‌کند که چه واژگان یا ساختارهایی برساخته می‌شوند، چه نوع سوژه‌مندی‌هایی ایجاد می‌گردد و چه ارزش‌های ایدئولوژیک در سطح زبان بازتاب می‌یابد.

بعد رویه‌های گفتمانی (Discursive Practice): این سطح به فرایند تولید، توزیع و مصرف متن می‌پردازد. فرکلاف معتقد است که معنا نه صرفاً در متن بلکه در شیوه‌ای که متن در بسترهای اجتماعی خوانده، تفسیر و بازتولید می‌شود، شکل می‌گیرد. در اینجا، نقش نهادها، سنت‌های آیینی، رسانه‌ها یا محافل دینی در بازتولید دعا اهمیت می‌یابد.

بعد اجتماعی (Social Practice): گفتمان همواره در چهارچوب ساختارهای کلان اجتماعی و روابط قدرت قرار دارد. در این سطح، تحلیلگر پیوند متن و رویه‌های گفتمانی را با زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی بررسی می‌کند؛ به‌ویژه چگونگی بازنمایی یا مشروعیت‌بخشی به ایدئولوژی‌ها و نظم‌های قدرت (ون دایک، ۱۳۸۷: ۷۲-۷۳).

ویژگی مهم این الگو، دیالکتیکی بودن سطوح سه‌گانه است؛ بدین معنا که متن، رویه

وزمینه اجتماعی همدیگر را متقابلاً شکل می دهند؛ بنابراین، فهم کامل گفتمان مستلزم فهم و تحلیل متن از منظر این سطوح سه گانه است.

## ۲-۱. داده های اصلی پژوهش

۲-۱-۱. **سطح اول (توصیف):** برای آغاز تحلیل، لازم است نخست به سطح توصیفی متن توجه شود؛ سطحی که در آن واژگان، ساختارهای دستوری، جمله بندی ها و عناصر بلاغی دعای افتتاح مورد بررسی قرار می گیرند. این سطح به خوانشگر نشان می دهد که چگونه زبان دعا از رهگذر انتخاب های واژگانی و نحوی، ارزش های تجربی، رابطه ای و بیانی خاصی را بازتولید می کند و بستر لازم را برای درک سطوح بالاتر را فراهم می آورد.

فرکلاف برای بررسی لایه های معنایی متن، سه نوع ارزش زبانی را متمایز می کند: ارزش تجربی که بازتاب دهنده تجربه ها، رویدادها و فرایندهای بازنمایی شده در متن است؛ ارزش رابطه ای که روابط میان گوینده و مخاطب و جایگاه های قدرت یا صمیمیت را آشکار می سازد؛ نیز آیا واژگان محاوره ای یا رسمی هستند؟ آیا در آن ها حسن تعبیر مشاهده می شود؟ حسن تعبیر درباره کلمه ای به کار می رود که به منظور اجتناب از ارزش های منفی جانشین کلمه ای متعارف تر یا آشناتر می گردد و ارزش بیانی که بیانگر نگرش ها، احساسات و مواضع گوینده نسبت به موضوع گفتار است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۲-۱۸۲).

در این قسمت، نخست نمونه جملات دعای افتتاح ذکر و ترجمه می شود. سپس واژگان مورد بحث استخراج و تحلیل های لازم در سطح واژگانی به طور مختصر ارائه می گردد.

نمونه ۱: اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَأَيُّقُنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَزْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبَّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ؛ خدایا، من همراه ستایشت مدح و ستودن تو را آغاز می کنم و تویی که با مهرورزی ات به سوی درستی توجّه می دهی، یقین دارم که در جای گذشت و رحمت مهربان ترین مهربانانی و در جای کیفر و انتقام، سخت ترین کیفرکننده ای و در جایگاه بزرگ منشی و عظمت بزرگ ترین قدرتمندی.

• واژگان کلیدی: افتتاح، ثناء، حمد، مسدّد، الصواب، منّ، أرحم الراحمین، عفو، رحمت، أشد المعاقبین، نکال، نقمة، تجبّر، کبریا/عظمة.

#### • ارزش تجربی:

0 فرایندهای ذهنی / بیانی: «افتتاح» (عمل آغاز گفت‌وگو)، «ایقنت» (فرایند روانی ادراک / یقین).

0 فرایند رابطه‌ای / تعریفی: «أنت أرحم...» (تعریف صفتی برای خدا).

#### • ارزش رابطه‌ای:

0 حالت گفتمانی: آغاز آیینی + ادعای اطمینان (مودالیتی بالا): «ایقنت» → رابطه بنده (نقش متواضع) به رب (مخاطب مقتدر).

0 تأکیدی بر دوگانگی رحمت / عقاب - مقام قدرت پروردگار.

#### • ارزش بیانی:

0 ساخت موازی و توازن هماهنگ (رحمت // عقاب // کبریا) → برجسته‌سازی تناقضات الهی به عنوان منطق نظم جهان.

0 پاراگراف آغازین، مضمون «حمد» را تشبیت می‌کند و متن را تمهید می‌نماید.

#### • استعاره‌ها:

0 «مسدّد للصواب: هدایت به مثابه جهت‌دهی / تصحیح مسیر.

0 مَوْضِعِ العفو/ مَوْضِعِ النکال»: مکان‌سازی مفهومی فعل رحمت / عقاب.

۱. مودالیتی (Modality) به معنای نحوه بیان یقین، احتمال، ضرورت یا امکان‌گوینده درباره چیزی است. به عبارت ساده‌تر، مودالیتی نشان می‌دهد که گوینده چقدر درباره حقیقت یا تحقق یک گزاره مطمئن است یا چه میزان اختیار/اجبار برای تحقق آن می‌بیند.

(عزت ملا ابراهیمی، زاهد مهدویان مقدم)

• دلالت گفتمانی: افتتاح با ستایش و تثبیت قدرت خداوند (رحمت مطلق و قدرت عقاب) هسته معرفتی متن را می‌سازد و زمینه را برای درخواست‌های بعدی فراهم می‌کند. مفاهیم «العفو و الرحمة» و «النکال و النقمه» به مخاطب می‌گویند که خداوند قادر مطلق است و هر تصمیمی از آن اوست. به عبارت دیگر مفاهیمی چون، رحمت فراگیر، شدت در عقوبت، عظمت و کبریایی مطلق خداوند از جمله دلالت‌های متن است.

نمونه ۲: اللَّهُمَّ أَذْنَتْ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعٌ مَدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمٌ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا؛ خدایا، در خواندنت و در درخواست از حضرتت به من اجازه دادی، پس ای شنواستودنم را بشنو و ای مهربان اجابت کن دعایم را و ای آمرزنده بیامرز لغزشم را، ای معبودم چه بسیار سختی‌هایی که از آن گره گشودی.

• واژگان کلیدی: اذنت، دعاء، مسألة، اسمع، سمیع، اجب، رحیم، غفور، عثرة، کرب، هموم، کشف، فرج.

#### • ارزش تجربی:

o فرایندهای کلامی / رابطه‌ای: «اذنت» (اجازه دادن به دعا - فعل کلامی / اجازه)، «اسمع / اجب / اقل» درخواست شنیدن / اجابت / آمرزش (فعل امر در قالب خطاب به خدا).

o بازنمایی گذشته (کفایت الهی در گشودن مشکلات): «فَرَجْتَهَا» (فرایند مادی / پدیدآیی رفع تنگنا).

#### • ارزش رابطه‌ای:

o آدرس‌دهی مستقیم با عناوین استدعایی: «یا سمیع، یا رحیم، یا غفور» تنوع القابی که نقش شنونده / رحمت / آمرزش را تفکیک می‌کند؛ ترکیب احترام و التماس.

o مودالیتی: از قطعیت («اذنت» = ایجابی) به درخواست (امر / التماس).

### • ارزش بیانی:

○ تکرار فعل‌های گذشته («کم من... قد...») جهت نمایش سابقه یاری خدا (نمونه‌سازی شواهد برای مشروع‌سازی درخواست کنونی).

○ استعاره: «عُثْرَه» به معنای لغزیدن پاست. در اینجا گناه و خطا به «لغزش» در مسیر بندگی تشبیه شده است.

○ فرّجت: گشودن گره / بازکردن تنگنای ذهنی و اجتماعی.

• دلالت گفتمانی: این بند رابطه اطمینان‌آمیز بین بنده و خدا را تقویت می‌کند. با آوردن نمونه‌هایی از مددهای پیشین، دلیل مشروعیت درخواست‌های کنونی فراهم می‌شود (ارجاع به تجربه ماضی به‌عنوان شواهد علی).

نمونه ۳: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا... وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا. (وادامه پاراگراف‌های ستایش: «الحمد لله بجميع محامده... لا مضاد له... لا شريك له...») (ستایش خدا به‌واسطه نفی شریک، صفت یگانگی، جامعیت صفات الهی).

• واژگان کلیدی: لم يتخذ، صاحبة، ولد، شريك، ملك، ولي من الذل، كَبَّرَهُ تكبیراً، جميع، لا مضاد، لا منازع، لا تشبیه.

### • ارزش تجربی:

○ فرایندهای رابطه‌ای / تعریفی: حالت نفی شریک: لم يتخذ... که وجود خاصی را نفی می‌کند؛ این بند کارکرد تعریف الهی دارد.

### • ارزش رابطه‌ای:

○ ادعای «اصل توحیدی» با قوت بالا (مودالیتی قوی از طریق نفی مکرر). این زبان قدرت مفهومی متن را برای تثبیت توحید نشان می‌دهد.

○ نقش گوینده: روایت‌کننده نقل تقدیرآمیز (ستایشگر)؛ رابطه عمودی بندگی / تعظیم.

• ارزش بیانی:

o الگوی تکراری «الحمد لله...» قالب حمد آیینی، ساخت فرمالی که انسجام می آفریند.  
o موازی سازی و کلی گویی («بجميع محامده كلها... علی جمیع نعمه كلها») تاکید بر فراگیری و همه شمولی.

• استعاره‌ها:

o نفی شریک به عنوان نفی «قید وابستگی» و قدرت مطلق - بی نیازی.  
• دلالت گفتمانی: این بخش هسته اعتقادی «توحید / بی نیازی الهی» را برجسته می کند؛ از نظر ایدئولوژیک، پایه ای برای مشروعیت بخشی هر امر بعدی از جمله ولایت و انتظار است.

نمونه ۴: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ... إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ. (شکرگزاری برای شکوه، جود، بخشندگی و مالکیت الهی)

• واژگان کلیدی: فاشی (گسترش یابنده)، باسط، جود، خزائن، عزیز، وهاب.

• ارزش تجربی:

o فرایندهای وجودی / عملی: «باسط الید» (بازکردن دست - عمل بخشش)، «لا تنقص خزائنه» (پایداری و بی پایانی منابع خداوندی).

• ارزش رابطه ای:

o تصویر خداوند به عنوان حکیمی که هم عطا می کند و هم قدرتمند است - نسبت دیالکتیکی عطا / قدرت.

• ارزش بیانی:

o استفاده از اسم های «جود، کرم، وهاب» و صفات توصیفی به منظور افزایش برجستگی خصال الهی.

۰ استعاره‌ها: «باسط الید» در این فراز به معنی گشودن دست به مثابه بخشیدن است.

۰ خزائن: خزانه / داراییِ عظیمِ خداوند. واژه «خزائن» که معمولاً برای گنج‌خانه‌ها و منابع مادی به کار می‌رود، در دعا برای رحمت و نعمت الهی به صورت ذخیره‌هایی پایان‌ناپذیر تصویر شده است. آنچه از رحمت، مهربانی و سایر نعمت‌ها نزد خداوند سبحان وجود دارد، به ذخیره‌گاه مادی تشبیه شده است.

• دلالت گفتمانی: تاکید بر بی‌نقصی و سخاوتِ الهی؛ توازنِ پنداریِ رحمت / قدرت بار دیگر تقویت می‌شود.

نمونه ۵: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ... وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ؛ خدایا اندک از بسیار از تو درخواست می‌کنم... و آن برای تو آسان است.

• واژگان کلیدی: أَسْأَلُكَ، قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ، حَاجَةٌ، غِنَاءٌ، سَهْلٌ يَسِيرٌ.

• ارزش تجربی:

۰ فرایند کلامی درخواست: پرسش / التماس.

• ارزش رابطه‌ای:

۰ مودالیتی التزامی / تواضعی: «قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ»: ایجاد تواضع و اعتراف به فضلِ عظیمِ خدا؛ این استراتژی متقن برای افزایش شفاعت‌پذیری درخواست است.

۰ رابطه قدرت: بنده ناتوان، خدای قادرِ آسان‌کننده.

• ارزش بیانی:

۰ پارادوکس «کمیّت تقاضا در برابر وفورِ بخشندگی» به عنوان تکنیکِ اقناعی.

• دلالت گفتمانی: تاکتیکِ تواضع‌نمایی برای مشروع‌سازیِ حصولِ اجابت؛ تاکید بر نابرابری منابع انسان / خدا.

(عزت ملا ابراهیمی، زاهد مهدویان مقدم)

نمونه ۶: اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي... فَأَمْلَتْنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ... فَأَرْحَمَ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ... إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ. (اعتراف به بخشش های پیشین، طمع در رحمت، و التماس برای آمرزش لغزش ها؛ ستایش کرم الهی)

• واژگان کلیدی: عفو، تجاوز، صفح، ستر، حلم، جرم، طمع، اجابة، امین، جود، کرم.

• ارزش تجربی:

0 فرایندهای ذهنی (اطمئنی - امیدوار شدن)، کلامی (أَسْأَلَكَ)، رویدادی (أَعْطَيْتَنِي، أُرَيْتَنِي - نشان دادن).

• ارزش رابطه‌ای:

0 تنش اخلاقی/معنوی: بنده به صراحت اشاراتی به نایستایی خویش دارد («ما لا أستوجبه») و از باب رحمت خدا طمع می کند (رابطه اعتماد/خضوع)  
0 مودالیتی: اعتراف به خطا با هدف جلب رحمت؛ زبان عاطفی قوی (طمع، اطمینان).

• ارزش بیانی:

0 روایت نمونه های گذشته برای تقویت ادعای رحمت الهی؛ استفاده از تضادهای «گناه / عفو» برای برجسته سازی لطف.

• دلالت گفتمانی: تأکید اخلاقی بر رحمت الهی به مثابه منبع امید گناه کار؛ بازتولید رابطه ای که بنده را متکی و محق الطاف الهی می سازد.

نمونه ۷: الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْقُلُوكِ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ، دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ. (ستایش خدا به عنوان مالک ملک و تنظیم کننده نظم جهانی کشتی ران دریاها، بخشنده روزی و ...).

• واژگان کلیدی: مالک، مجری، مسخر، فالق، دین، رب.

• ارزش تجربی:

o فرایندهای کنشی / مادی: «مَجْرِي الْفُلْكِ» (فعلیتِ نظم در عالم)، «مُسَخَّر» (تسلط بر طبیعت).

• ارزش رابطه‌ای:

o القای اقتدار عالم‌آفرین و مدبّر: خدا = کنشگر کلان‌نظم.

• ارزش بیانی:

o فهرست صفات کنش محور (cataloguing) ایجاد توسعه معنا و برجستگی علیت الهی.

• استعاره‌ها:

o «مَجْرِي الْفُلْكِ» / خدا به‌مثابه مدیر مدبّر و پیش‌برنده امور عالم هستی. تعبیر «مَجْرِي الْفُلْكِ»، جهان را به کشتی تشبیه می‌کند و پروردگار را در مقام «ناخدای هستی» نشان می‌دهد.

• دلالت گفتمانی: تثبیت ایده خدا به‌عنوان نظم‌دهنده و حافظ جهان؛ نتیجه‌گیری ضرورت توکل و امیدبندی به نظم الهی.

نمونه ۸: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ، وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، ... مَوْضِعَ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ، مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ. (ستایش خدا به‌خاطر حمایت از اهل ترس و صالحان، رهایی مظلومان و سقوط متکبران؛ وعده یاری و پناه برای مؤمنان.)

• واژگان کلیدی: یؤمن، ینجی، یرفع، یضع، یهلك، استبداد، نکال، صارخ، معتمد.

• ارزش تجربی:

o فرایندهای کنشی: افعال فعل محور که به‌وضوح نقش خدا به‌عنوان عامل مداخله‌گر را بازنمایی می‌کنند (فعالیت‌های نجات/سرنگونی/اعطا).

(عزت ملا ابراهیمی، زاهد مهدویان مقدم)

• ارزش رابطه‌ای:

o رابطه حمایتی - خدایی که تامین کننده و مدافع گروه «ما» است؛ مودالیتی بازگشتی به وعده و اطمینان.

• ارزش بیانی:

o ساخت تضاد (مستضعف/مستکبر) و هم ارجاع به کارکرد امدادی (قرارگاه حاجت‌ها) - متن عامل هویت بخشی.

• استعاره‌ها:

• قاصم الجبارین / خدا به مثابه از درهم شکننده ستمگران. فعل «قاصم» برای در هم شکستن اشیای مادی و سخت به کار می رود که یک کنش فیزیکی تخریبی است. در این دعا ستمگران به جسم سختی تشبیه شده اند که با قدرت الهی در هم شکسته می شوند.

• دلالت گفتمانی: این بند کارکرد سیاسی ایدئولوژیک قوی دارد: وعده عدالت و واژگونی ظلم که مناسبات مقاومت و امید به مداخله الهی را مشروع می سازد.

نمونه ۹: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا... ) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ... (ستایش به خاطر هدایت و تذکر صفات لایتناهی خدا: آفریدن / زنده سازی / قدرت مطلق)

• واژگان کلیدی: هدانا، خلق، يُطعم، يُمیت، يُحیی، حی، بیده الخیر.

• ارزش تجربی:

• فرایندهای وجودی و مادی و معنوی (خلق و احیا، رزق دهی، قدرت فراهم آور خیر.)

• ارزش رابطه‌ای:

• بازتولید وجه حکومت اخلاقی؛ دینامیک اعتماد به هدایت.

• ارزش بیانی: نقل آیه مانند («الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا») - بینامتنیت قرآنی/ سنتی

برای افزایش مشروعیت.

• استعاره‌ها:

□ («بیده الخیر»): تنها بنا به خواست و قدرت اوست.

• دلالت گفتمانی: ادامه تثبیت استدلال برای تکیه بر خداوند و مشروعیتِ الگوهای انتظاری/عبادی.

نمونه ۱۰: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ ... وَأَجْمَلْ وَأَكْمَلْ ... (درود بر پیامبر و اوصافِ ستایش‌آمیز برای او (کامل‌ترین درود)).

• واژگان کلیدی: صلِّ، عبدک، رسولک، أمینک، صفیّک، افضل، احسن، ازکی، اطيّب.

• ارزش تجربی:

o فعلِ کلامی «صلِّ» به‌عنوان کنش (اظهار عملِ درود/ستایش) نوعی عملِ عبادی-زبانی.

• ارزش رابطه‌ای:

o میان‌فردی: قوی‌ترین نشانه پیوند با پیامبر؛ نقش پیامبر به‌عنوان واسطه/الگو.

• ارزش بیانی:

o صفاتِ تکراری و ترکیبی باعثِ افزایشِ والایی شخصیتِ پیامبر؛ عملِ درود به‌صورت جمعی / آیینی.

• استعاره‌ها:

o توصیفاتِ برترسازی (أفصل / أحسن) بهترین شدن به‌عنوان آرمانی اخلاقی / اعتقادی.

• دلالت گفتمانی: نشان دادن مراتبِ بندگی که با درود بر پیامبر تکمیل می‌شود و

اتصال متن به سنت نبوی را تثبیت می کند.

نمونه ۱۱: اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَيَّ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ... وَصَلْ عَلَيَّ أئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ ...  
(فهرست امامان)

(درود بر علی و اهل بیت تا امام مهدی (فهرست کامل).

• واژگان کلیدی: أمير المؤمنين، وليك، حَق، آيات، امامان، ائمة المسلمين، نام‌های امامان.

• ارزش تجربی:

o کنش کلامی (صلّ) + لیست گذاری اسامی (نقش یادآوری تاریخی / هویتی)

• ارزش رابطه‌ای:

o تقویت پیوند هویتی شیعی (تثبیت سلسله امامت): نقش امامان به عنوان واسطه‌های دینی / سیاسی.

• ارزش بیانی:

o فهرست نام‌ها به عنوان دستاویز مرجعیت تاریخی / بینامتنیت با سنت تشیع.

• استعاره‌ها:

o کمابیش توصیفاتى که امامان عصمت و طهارت را به «نشانه‌ها / حجت‌ها» تشبیه می کند (امام به مثابه دلیل الهی).

• دلالت گفتمانی: تقویت ایدئولوژی امامت؛ متن به عنوان حافظ حافظه هویتی شیعه. در روایات آمده است که لقب «امیرالمؤمنین» خاص امام علی (علیه السلام) است (ن.ک: مفید، ۱۴۱۳: ۴۱؛ طوسی، ۱۹۹۱: ۲۹۵).

نمونه ۱۲: اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ ... وَاجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ ... (درود و

درخواست برای ولی امر (قائم/ مهدی): تقویت دین، جانشینی، تأمین امنیت و پایداری دین.

• واژگان کلیدی: ولی امر، القائم، العدل المنتظر، روح القدس، استخلفه، مکین، دین.

• ارزش تجربی:

○ فرایندهای التماس/خواست (طلب برای نصب/تمکین امام) (ترکیبی از دعا و سیاست/جانشینی، قدرت سیاسی).

• ارزش رابطه‌ای:

○ مودالیتی آمالی/آرمانی: «اجعل» برای ایجاد نظم مطلوب دین.

○ نقش امام غایب که هم مشروع و هم منتظر است (ایجاد توقع اجتماعی).

• ارزش بیانی:

○ پیوند با ایدئولوژی مهدویت؛ استفاده از افعال تقلیل/تمکین برای مشروع‌سازی انتظار.

• استعاره‌ها:

○ استخلفه فی الأرض: جانشینی به‌مثابه وارث زمین.

• دلالت گفتمانی: این بند هسته ایدئولوژیک متن است: انتظار مصلح الهی و مشروعیت‌سازی دولتی برآمده از آن.

نمونه ۱۳: اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّ بِهِ ... وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ ... وَتَرَفُّنَا بِهَا كَرَامَةً الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

(مراجعه برای دادن عزت، نصرت، فتح آسان، و دولت آرمانی که اسلام را عزیز کند و نفاق را خوار سازد؛ ما را از دعاکنندگان و رهبران قرار ده.)

(عزت ملا ابراهیمی، زاهد مهدویان مقدم)

• واژگان کلیدی: اعزه، انصره، فتحاً یسیراً، سلطاناً نصیراً، دولة کریمه، نفاق، دعاة الی طاعتک.

• ارزش تجربی:

- o طلب عمل سیاسی / اجتماعی از طریق عامل مذهبی (باز نمودن / فتح).
- o بازنمایی تبادلی: خدا عمل کند تا امام تحقق یابد و این چنین جامعه تغییر کند.

o ارزش رابطه‌ای:

o از خطاب فردی - جمعی به جامعه ایدئولوژیک: «نرغب إلیکم» (درخواست جمعی برای دولت مشروع).

o مودالیتی آرزو/دعا: «اجعلنا» خواست جمعی (ضمیر جمع)

• ارزش بیانی:

o «دولت آرمانی» به عنوان بند کانونی پروژة اجتماعی متن (عبارت نمادین هدف).

o جملات پی در پی دستوری / دعایی (ریتم آیینی).

o استعاره‌ها: «فتح» (گشودن راه به مثابه پیروزی)، در عبارت «وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا یَسِیرًا» ریشه در زبان قرآن دارد، مانند: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِینًا» (فتح، ۱) و در اینجا به صورت استعاره‌ای از گشودگی، تسهیل و تحقق وعده الهی بازتولید می‌شود. در این دعا، «فتح» نه به معنی صرف پیروزی نظامی، بلکه به معنی گشایش مسیر تحقق عدالت و دولت الهی است.

o «دولت آرمانی» (حکومت امام منتظر به مثابه فضیلت و کرامت).

• دلالت گفتمانی: این بند تبدیل دعا به نقشه سیاسی - ایدئولوژیک (نشان دهنده پیوند مذهب و مشروعیت قدرت).

نمونه ۱۴: اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهْ شَعْنَنَا ... وَأَنْجِرْ بِهْ مَوَاعِيدَنَا ... وَأَسْتَجِبْ بِهْ دَعْوَتَنَا ... إِلَهَ الْحَقِّ  
آمین؛ خدایا، پریشانی ما را با او جمع کن، پراکندگی ما را جمع کن، تعداد ما را زیاد کن،  
ذلت ما را عزت بخش و ... دعای ما را به واسطه او اجابت کن.

• واژگان کلیدی: المُم، شعث، اشعاب، ارتق، کثر، أعز، أغنی، اقض عن مغرنا، اجبر  
فقرنا، أجنح، یسر، بیض و جوهنا، فکک أسرنا، أنجح طلباتنا.

#### • ارزش تجربی:

0 زنجیره‌ای از درخواست‌های عملی/مادی (وضعیت‌های جمعی: اتحاد، افزایش، آزادی،  
رهایی، برآورده شدن وعده‌ها) که به صورت نتیجه‌بخش به امام نسبت داده می‌شود.

0 نوع فرایند: درخواست برای تغییر وضعیت‌های اجتماعی توسط عامل فرامادی.

#### • ارزش رابطه‌ای:

0 جایگزینی کنش جمعی با کنش ماورایی-امامی (ما از طریق او عمل می‌کنیم).

0 وعده تبدیل وضعیت «ما» (مستضعف) به «ما» (توانمند) (پیوند امید جمعی).

#### • ارزش بیانی:

0 ساخت تکراری «و ... به» (با او ...) (تاکید بر ولی راستین بودن امام).

0 انباشت درخواست‌ها قوت ادعایی متن را بالا می‌برد.

#### • استعاره‌ها:

0 «فکک أسرنا» (بازکردن زندان / گشایش اسارت).

0 «بیض و جوهنا» (پاک شدن صورت / آبرومندی).

• دلالت گفتمانی: امام به عنوان کانون تغییر اجتماعی و عامل عملی تحول جامعه است.

(عزت ملا ابراهیمی، زاهد مهدویان مقدم)

نمونه ۱۵: اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا... وَعَمِيَّةً وَلَيْبْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوْنَا، وَقَلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ... بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (شکایت از فقدان پیامبر ﷺ و غیبت ولی، از افزایش دشمنان و کاهش نیرو، از فتنه و زمان نامساعد؛ التماس گشایش و نصرت و رحمت)

• واژگان کلیدی: نشکو، فقد نبی، غیبه، کثرت عدو، قلة عدد، فتنه، تظاهر الزمان، فتح، ضر، نصر، سلطان حق، رحمة.

#### • ارزش تجربی:

0 بازنمایی وضعیت بحران: فقدان رهنما و اوضاعِ خطیر (فتنه، دشمنی). این بند نمایه «وضعیت اجتماعی-سیاسی» را برجسته می کند.

0 فرایندهای شکایت / درخواست: نَشْكُوا... فَصَلِّ.

#### • ارزش رابطه‌ای:

0 نقش گوینده: مدعی مخاطبِ خدا در مقام شاکي جمعی؛ موذ التماس و استغاثه.

0 مخاطبِ الهی: امید به مداخله و تسریع ظهور.

#### • ارزش بیانی:

0 ساختِ مقایسه‌ای و تجمعی شواهد بحران برای توجیه درخواستِ ظهور.

0 ارجاع مکرر به «ما» جمعی (تولید هویت جمعی مصیبت زده).

#### • استعاره‌ها:

0 «تظاهر الزمان» (زمان به مثابه عاملِ فعالِ فشار / متخاصم).

• دلالت گفتمانی: بند خاتمه‌ای که متن را به هدفِ استراتژیکِ ظهور / گشایش وصل می کند؛ دعوت به همبستگی و نگاه انتظاریِ سیاسی - اجتماعی.

در جمع بندی نهایی سطح متن به پنج نکته کلیدی باید اشاره کرد:

۱. دامنه واژگانی حول چند محور کلیدی: توحید/صفات الهی (حمد، جود، قدرت)، رحمت/عذاب، امامت/ولایت، انتظار/ظهور، دشمنی/نفاق. این میدان‌های واژگانی پیوسته بازتولید می‌شوند.

۲. ارزش تجربی غالب: ترکیبی از فرایندهای کلامی (دعا/طلب/صلوات)، ذهنی (یقین/طمع) و مادی-اجتماعی (نجات/رفع/فتح). یعنی متن هم عبادت زبانی است و هم مترصد تغییرات اجتماعی.

۳. ارزش رابطه‌ای: رابطه مکرر «بنده/خواهان» - «خدا/فعل کننده»، همراه با نقش «امام/میانجی»؛ مودالیتی اغلب قوی (اطمینان، وعده) در کنار مودالیتی التماسی (دعا، درخواست).

۴. ارزش بیانی: تکرار (الحمد لله، اللهم)، فهرست‌سازی، موازی‌سازی اضداد، و بینامتنیت قرآنی/سنتی که متن را هم‌زمان قابل اتکا و آیینی می‌سازد. ابزار بلاغی غالب: تکرار، تضاد، فهرست، موازی‌سازی، بلاغت وصفی.

۵. استعاره‌های مهم و کارکردشان:

o باسط الید/بخشش (باز کردن دست/گشودن).

o فتح/پیروزی (گشودن/باز کردن راه).

o عثرة/گناه (اعتراف انسان به سست و ضعیف بودن خود و درخواست یاری از خداوند).

o زمان به‌عنوان نیروی معارض در توصیف غیبت و فتنه.

استعاره‌های اندکی که در این متن به کار رفته‌اند، نه فقط تصویرسازند بلکه عملیات معرفتی متن را نیز شکل می‌دهند و گویای آنند که چگونه دعا واقعیت اجتماعی را به انسان می‌فهماند و تبیین می‌کند که خداوند عامل اصلی گشایش مشکلات انسان است.

(عزت ملا ابراهیمی، زاهد مهدویان مقدم)

۲-۱-۲. تحلیل سطح دستوری دعا: در سطح دستوری، متن دعا شامل جملات کوتاه و بلند است که غالباً با ساختارهای معلوم و مثبت شکل گرفته‌اند و کنشگری آن به وضوح مشخص است. در این متن، دو عامل اصلی کنشگری وجود دارد:

۱. بنده یا دعاگو، که معمولاً فاعل جملات آغازین و درخواست‌هاست («إِنِّي أَسْتَجِيبُ...»، «أَيَقْنَتْ أَنْكَ...»). (من آغاز می‌کنم، من یقین دارم که تو ...)

۲. خداوند که عامل فرایندهای Material و Relational در جملات ستایش و توصیف است («أَذْنَتْ لِي...»، «فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ...»). در اینجا، این نوع درخواست نشان‌دهنده نوعی ادب و اخلاق از جانب دعاگو در برابر خدای خود است. واژه «أَذْنَتْ ...» (خود اجاز دادی که ... ) اشاره‌ای است به آیه «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» است (جعفری، ۱۳۸۴: ۲).

نوع فرایندها در متن به طور عمده شامل موارد زیر است:

- ارزش تجربی: کنش‌هایی مانند آغاز ستایش، شنیدن و اجابت دعا، بخشش گناهان و رفع مشکلات.
- ارزش رابطه‌ای: صفات الهی مانند رحمت، قدرت، عدالت، و توانمندی که ارزش‌های رابطه‌ای و شناختی را منتقل می‌کنند.
- ارزش بیانی: یقین، امید، و انتظار پاسخ خداوند که تجربه ذهنی دعاگو را منعکس می‌کند.

ویژگی‌های دستوری مهم عبارتند از:

- جملات معلوم و مثبت هستند که اعتبار و وضوح گفتمانی ایجاد می‌کند.
- امرهای دعایی («فاسمع...»، «أجب...»، «أقل...») برای ایجاد تعامل مستقیم و انتقال ارزش رابطه‌ای استفاده شده است.
- استفاده گسترده از ضمیرها («من»، «تو»، «ما») باعث انسجام ارجاعی و تقویت رابطه

بنده-خدا و خواست جمعی می شود.

• اسم‌سازی‌ها و صفت‌سازی‌ها مانند «الزَّاحِمِينَ»، «الْمُعَاقِبِينَ»، و «الْمُتَجَبِّرِينَ» ارزش تجربی و شناختی متن را غنی می کند.

### بیان ارزش‌های متن:

• ارزش تجربی: کنش‌ها و فرایندهایی که بیانگر تجربه مستقیم بنده و توانایی‌های الهی هستند.

• ارزش رابطه‌ای: رابطه شناختی و اخلاقی بین دعاگو و خداوند، از جمله اعتماد، یقین و فروتنی.

• ارزش بیانی: ستایش، امید، التماس و هشدار اخلاقی که بار عاطفی و نگرشی متن را منتقل می کند.

۳-۱-۲. ساخت‌های متنی گسترده: در سطح ساخت متنی گسترده، متن دعا به صورت یک جریان معنایی سلسله‌مراتبی و لایه‌ای سازماندهی شده است که انسجام و پیوستگی بالایی دارد. ساختار اصلی متن را می توان در چهار لایه توصیف کرد:

۱. افتتاح با ستایش و تمجید خداوند: جملات ابتدایی متن با ستایش خداوند آغاز می شوند و ویژگی‌های مثبت او را بازنمایی می کنند.

۲. درخواست مستقیم و دعا‌های فردی: دعاگو خواسته‌های خود را مطرح می کند و با استفاده از افعال دعایی (امری) و ضمائر خطاب مستقیم («یا سمیع»، «یا رحیم») رابطه‌ای مؤثر با خدا برقرار می کند.

۳. تمجید و توصیف صفات الهی: جملاتی که به توصیف صفات خداوند مانند عدالت، عظمت و رحمت می پردازند، پایه ارزش‌های رابطه‌ای و شناختی متن را شکل می دهند.

۴. درخواست ظهور دولت آرمانی و یاری امام زمان: لایه نهایی دعا، آرزوی تحقق عدالت

(عزت ملا ابراهیمی، زاهد مهدویان مقدم)

و گشایش برای جامعه مؤمنان است و به ارجاعات بیرونی (امامان معصوم، قیام و حکومت اسلامی) مرتبط می‌شود.

ویژگی‌های پیوند و انسجام متن:

- استفاده از کلمات ربط منطقی («و»، «ف»، «ثم») برای توالی و همبستگی جملات. جملات در دعا بیشتر با حرف عطف «واو» به هم پیوند خورده‌اند. (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ، وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ...؛ خدا را سپاس که هراسندگان را ایمنی بخشد و شایستگان رانجات دهد و ناتوان شمردگان را به بلندی رساند. کاربرد حرف عطف «واو» در چنین جملاتی، قدرت و وضوح معنی در جملات را افزایش و یکپارچگی این صفات برای خدا را صراحت می‌بخشد (جرجانی، ۲۰۰۱: ۲۲۶).

- استفاده از ضمیرها و ارجاعات داخلی («من»، «تو»، «ما») برای حفظ انسجام و اتصال معنایی بین جملات.

- ارجاع به مفاهیم دینی و فراگیر مانند امامان، دولت آرمانی، قیام و عدالت که شبکه معنایی گسترده‌ای ایجاد می‌کند.

- ترکیب جملات همپایه و وابسته که جریان معنایی متن را از ستایش به درخواست و تحقق آرزوها منتقل می‌کند و ریتم متن را متعادل می‌سازد.

با توجه به تحلیل سطح دستوری و ساخت متنی گسترده، می‌توان نتیجه گرفت که دعای افتتاح:

- دارای کنشگری مشخص و سلسله‌مراتب معنایی روشن است.

- فرایندهای تجربی و رابطه‌ای با تاکید بر صفات الهی و کنش‌های دعاگو، ارزش‌های تجربی و رابطه‌ای متن را تقویت می‌کنند.

- استفاده از ضمیرها، افعال امری، و کلمات ربط باعث انسجام معنایی و ارتباط بنده-خدا می‌شود.

• ساخت متنی گسترده، متن دعا را به یک جریان معنایی منسجم، با لایه‌های ستایش، درخواست و تحقق آرزوها تبدیل می‌کند که هم ارزش‌های بیانی و هم ارزش‌های گفتمانی را منتقل می‌کند؛ بنابراین، این تحلیل نشان می‌دهد که دعای افتتاح نه تنها یک متن دینی و معنوی است، بلکه نمونه‌ای غنی از گفتمان شیعی است که روابط قدرت، هویت و ایدئولوژی را به صورت آشکار و پیچیده در خود جای داده است.

## ۲-۲. تحلیل سطح دوم (تفسیر): کاربست گفتمان (Discursive Practice)

در این سطح از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، تمرکز بر نحوه تولید، توزیع و مصرف متن قرار می‌گیرد. دعای افتتاح به عنوان یکی از متون محوری آیین شیعی در ماه رمضان، نمونه‌ای بارز از کاربست گفتمانی است که نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح جمعی و نهادی نیز معنا می‌یابد. خاستگاه دعا بر پایه گزارش‌های روایی از امام مهدی علیه السلام یا با واسطه اصحاب خاص دانسته شده است که آن را متفکران برجسته شیعه نظیر شیخ طوسی در مصباح‌المتجهد، سید بن طاووس در اقبال‌الأعمال، کفعمی در مصباح و البلد‌الأمین، مجلسی در زاد‌المعاد و شیخ عباس قمی در مفاتیح‌الجنان، نقل کرده‌اند. همگی این فقها معتقدند که این دعا «از ناحیه امام زمان علیه السلام و یا سایر معصومان علیهم السلام به دست ما رسیده است» (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲). علامه مجلسی در کتاب زاد‌المعاد نقل می‌کند که «به سند معتبر، از حضرت صاحب‌الامر علیه السلام منقول است. آن حضرت به شیعیان خود نوشتند که در هر شب از ماه مبارک رمضان این دعا (دعای افتتاح) را بخوانند؛ زیرا دعای این ماه را ملائکه می‌شنوند و برای صاحب‌آن استغفار می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۲۳ ق: ۸۶). به این ترتیب، تولید این نیایش در بستر مرجعیت دینی و نهاد امامت شیعی جای می‌گیرد.

دعای افتتاح در ماه رمضان که فضایی عبادی و معنوی به شمار می‌رود، کارکردی مضاعف پیدا می‌کند: از یک سو به تقرب فردی مؤمن به خداوند کمک می‌کند و از سوی دیگر به منزله متنی هویت‌ساز برای جامعه شیعی عمل می‌نماید. افزون بر این، دعا از منابع گفتمانی متعددی بهره می‌گیرد: زبان قرآن و سنت نبوی و علوی، الگوهای

بلاغی عربی و سنت ادعیه شیعی که به آن مشروعیت و انسجام می‌بخشند.

از حیث توزیع، دعای افتتاح در گذر زمان تحول چشمگیری یافته است. در آغاز، بیشتر در قالب شفاهی و در مراسم شب‌های ماه رمضان قرائت می‌شد. سپس در مجموعه‌های ادعیه مانند مفاتیح الجنان ثبت و تثبیت گردید و در عصر حاضر با گسترش رسانه‌های دیجیتال، به شکل گسترده‌ای در فضای مجازی، اپلیکیشن‌های موبایلی و برنامه‌های آنلاین منتشر می‌شود. این گسترده‌ای توزیع، خود حاکی از کارکرد اجتماعی- نهادی دعاست: تقویت پیوند مؤمنان با هویت شیعی، بازتولید ایدئولوژی انتظار و عدالت موعود و ایفای نقش در آیین‌های جمعی شب‌های رمضان، به‌ویژه لیالی قدر.

مصرف دعا نیز در دو سطح قابل تحلیل است؛ در سطح فردی، مؤمن دعا را ابزاری برای گفت‌وگوی مستقیم با خداوند، ابراز نیازها و کسب آرامش معنوی درک می‌کند. در سطح جمعی، دعا به صورت بخشی از آیین‌های مشترک، به بازآفرینی گفتمان هویت شیعی کمک می‌کند و مؤمنان را در قالب یک «ما»ی جمعی تعریف می‌کند. فرایند معناسازی در این سطح بسته به شرایط اجتماعی - سیاسی می‌تواند متنوع باشد. به‌عنوان نمونه، مفهومی چون «دولت آرمانی» برای برخی مخاطبان صرفاً نمادی از تحقق عدالت جهانی است، حال آنکه برای دیگران در بسترهای خاص سیاسی، کنایه‌ای از ناعدالتی‌های موجود و ضرورت مقاومت در برابر ظلم تلقی می‌شود. همچنین تعبیر «قاصم الجبارین» هم در سطح اخروی (عدالت نهایی خداوند) معنا دارد و هم در سطح تاریخی و معاصر، پیوندی با گفتمان مقاومت و مبارزه با سلطه‌طلبی برقرار می‌کند.

نکته مهم دیگر در سطح دوم، میان‌متنی یا بینامتنیت دعاست. دعای افتتاح سرشار از اصطلاحات و ترکیب‌هایی است که مستقیم یا غیرمستقیم از قرآن گرفته شده‌اند و به این ترتیب، در پیوندی آشکار با متن مقدس قرار می‌گیرند. همچنین سلام بر پیامبر ﷺ و اهل بیت  در دعا، پیوندی ساختاری با گفتمان رسالت و امامت برقرار می‌کند و در نهایت، ارجاع به ظهور امام مهدی ، اقامه دولت آرمانی و نابودی ظالمان، بُعد سیاسی - مهدوی دعا را برجسته می‌سازد. بدین سان، دعا از طریق بینامتنیت، مشروعیت خود

را تثبیت می‌کند و زنجیره‌ای معنایی میان گذشته (قرآن و سنت)، حال (مؤمن دعاگو) و آینده (ظهور و عدالت موعود) ایجاد می‌نماید. دعای افتتاح از ابتدا تا انتها به شدت با قرآن درهم تنیده است. بینامتنیت قرآنی در آن به صورت مستقیم (اقتباس یا نقل عبارات قرآنی) و غیرمستقیم (بازآفرینی مضمون یا ساخت) دیده می‌شود.

نمونه‌های مهم بینامتنیت قرآنی در دعای افتتاح:

۱. الحمد لله الذی لا یُضَادُهُ فی حکمه أحد، ولا یُعَانِدُهُ فی أمره أحد؛ الهام از آیات توحیدی مثل «وَلَا یُشْرِكُ فِی حُكْمِهِ أَحَدًا» (کهف، ۲۶).
۲. الحمد لله علی حلمه بعد علمه؛ مضمون برگرفته از «وَإِنَّ رَبَّكَ لَغَفُورٌ ذُو رَحْمَةٍ لَّو یُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلًا لَهُمُ الْعَذَابُ» (کهف، ۵۸) و «الحمد لله علی عفوهِ بعد قدرته»؛ نزدیک به مضمون «إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ» (رعد، ۶)
۳. فإِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فی موضع العفو والرحمة؛ عین تعبیر قرآنی «وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (مؤمنون، ۱۰۹، ۱۱۸).
۴. وأشد المعاقبين فی موضع النکال والنقمة؛ بازتاب آیه «إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ» (بروج/ ۱۲) و «إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ» (اعراف، ۱۶۷).
۵. فرازهای مربوط به «دولت آرمانی مهدویت»؛ اشاره به مضمون قرآنی «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵).
۶. فرازهای عدالت و وراثت زمین؛ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵).

فرکلاف دو نوع بینامتنیت را برشمرده است: صریح و سازنده. بینامتنیت صریح بر به کارگیری متون دیگر در یک متن به صورت مستقیم مانند استفاده از علایم نقل قول و مانند آن اشاره دارد. بینامتنیت سازنده مفهومی وسیع‌تر و نشان‌دهنده تأثیر محتوایی گفتمان‌های دیگر در یک متن است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۸) بینامتنیت برای

(عزت ملا ابراهیمی، زاهد مهدویان مقدم)

شاعر به منزله هوا و آب و زمان و مکان برای انسان است. پس بهتر است او در جست‌وجوی نشانه‌های آن باشد نه اینکه از آن بگریزد (مفتاح، ۱۹۹۲: ۱۲۵).

به‌طور کلی می‌توان گفت دعای افتتاح تنها یک متن عبادی فردی نیست، بلکه یک «عمل گفتمانی اجتماعی» است که در آن، لایه‌های تولید، توزیع، مصرف و بینامتنیت در هم تنیده شده‌اند. این دعا به‌واسطه مرجعیت دینی تولید می‌شود، در آیین‌های شیعی توزیع می‌گردد، توسط مؤمنان در سطوح فردی و جمعی مصرف می‌شود و در نهایت با بهره‌گیری از قرآن و سنت و ارجاع به آینده موعود، ایدئولوژی انتظار، عدالت و هویت شیعی را بازتولید می‌کند.

### ۲-۳. تحلیل سطح سوم (تفسیر): عمل اجتماعی- فرهنگی (Social Practice)

در این سطح، دعای افتتاح به‌عنوان یک گفتمان دینی- سیاسی در بستر اجتماعی و تاریخی شیعه تحلیل می‌شود. این متن آیینی فراتر از سطح نیایش فردی است و به‌عنوان ابزاری برای بازتولید هویت، تثبیت ایدئولوژی و ساماندهی روابط قدرت در جامعه عمل می‌کند.

۲-۳-۱. بازتولید ایدئولوژی: دعای افتتاح به شکل مستقیم و غیرمستقیم، ایدئولوژی مهدوی را بازتولید می‌کند. از آنجا که دولت مهدوی داعیه‌دار بنیاد نهادن تمدن جهانی است، «برای رسیدن به آن لازم است فرهنگ انتظار در جامعه به صورت باور و اعتقادی راسخ نهادینه شود؛ البته انتظار سازنده و مثبتی که همراه با فعالیت و زمینه‌سازی ظهور باشد، مراد است» (نعمتی، ۱۴۰۳: ۷۱). اصطلاح کلیدی «الدولة الکریمه» نمادی است از دولت عدل جهانی که در اندیشه شیعه، محور هویت دینی و سیاسی است. در این دعا، برقراری عدالت جهانی و ریشه‌کنی ظلم نه فقط یک آرزوی معنوی بلکه یک پروژه ایدئولوژیک است که نقش‌رهای بخش دارد. این امر سبب می‌شود که متن دعا کارکردی فراتر از فردی پیدا کند و به بیانیه‌ای هویتی- سیاسی تبدیل شود.

## ۲-۳-۲. روابط قدرت: در دعا دو سطح از روابط قدرت دیده می‌شود:

• نخست، رابطه عمودی بنده و خدا: دعاگو خود را در موقعیت ضعف و نیاز قرار می‌دهد و قدرت مطلق خداوند را می‌پذیرد. این رابطه، ارزش معنوی فروتنی و وابستگی را بازتولید می‌کند.

• دوم، رابطه اجتماعی-سیاسی مؤمنان با ظالمان: با تعبیراتی مانند «قاصم الجبارین» یا «مبیر الظالمین»، دعا بافتی می‌سازد که در آن مؤمنان در جایگاه مظلومان و منتظران عدالت قرار دارند و ظالمان در نقطه مقابل آن‌ها. این تقابل، قدرت مشروع را به سوی امام موعود هدایت می‌کند و قدرت نامشروع را در جایگاه نابودی قرار می‌دهد.

۲-۳-۳. هویت‌سازی: دعای افتتاح یک «ما»ی جمعی می‌سازد. با به‌کارگیری ضمیرهای جمع («لنا»، «علینا»)، دعا مؤمنان را در یک هویت مشترک تعریف می‌کند. این هویت نه تنها دینی و عبادی است، بلکه سیاسی و تاریخی نیز هست: جامعه‌ای منتظر که خود را در امتداد تاریخ انبیا و اولیا می‌بیند و آینده را در ظهور دولت آرمانی جست‌وجو می‌کند. بدین ترتیب، دعا هویت شیعی را به‌طور مستمر بازتولید و تقویت می‌کند.

۲-۳-۴. بافت تاریخی و اجتماعی: خواندن دعای افتتاح در شب‌های رمضان، به‌ویژه در دوران‌های فشار و ستم سیاسی بر شیعیان، معنای دوچندان داشته است. این دعا برای قرون متمادی نه فقط یک نیایش فردی، بلکه ابزاری برای مقاومت فرهنگی و حفظ هویت در برابر سلطه‌های سیاسی بوده است. در عصر حاضر نیز، خوانش آن در بستر گفتمان مقاومت اسلامی، معنایی تازه و امروزی یافته است.

۲-۳-۵. پیوند با ساختار کلان اجتماعی: دعای افتتاح در سطح کلان، بخشی از نظم گفتمانی تشیع است که حول محور «ولایت»، «انتظار» و «عدالت» شکل گرفته است. این نظم گفتمانی با بازتولید مفاهیمی چون دولت آرمانی، نابودی ظالمان و یاری امام مهدی، به تثبیت الگوی خاصی از جامعه آرمانی می‌انجامد که نه تنها دینی بلکه اجتماعی و سیاسی نیز هست.

### ۳. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تحلیل گفتمان دعای افتتاح بر اساس الگوی سه‌سطحی نورمن فرکلاف انجام شد. یافته‌ها نشان داد که در سطح متنی، دعا از طریق افعال امری، ضمائر جمع و واژگان کلیدی چون در هم کوبیدن ستمگران، خوار کردن سرکشان، نجات شایستگان، بالا بردن شأن مستضعفان، برقراری دولت آرمانی برای مومنان و ... پیوندی میان نیایش فردی و آرمان‌های عدالت‌محور اجتماعی برقرار می‌کند. در سطح رویه‌های گفتمانی، دعا در بستر آیینی و جمعی ماه رمضان بازتولید می‌شود و با بهره‌گیری از بینامتنیت قرآنی و روایی، مشروعیت گفتمان مهدویت را تثبیت می‌کند. در سطح عمل اجتماعی نیز، این متن بازتاب‌دهنده فرهنگ شیعی است که بر عدالت‌خواهی، انتظار و همبستگی جمعی تأکید می‌ورزد.

با تحلیل دعای افتتاح بر اساس نظریه فرکلاف، مشخص شد که این دعا به‌منزله گفتمانی دینی-سیاسی، نشان می‌دهد که زبان نیایش در فرهنگ شیعه نه تنها ابزار ارتباط با خداوند است، بلکه به‌عنوان سازوکاری برای بازتولید قدرت، هویت و ایدئولوژی جمعی مکتب تشییع به شمار می‌آید.

تحلیل دعای افتتاح بر مبنای نظریه فرکلاف نشان داد که این متن لایه‌های عبادی، اجتماعی و سیاسی را همزمان دربرمی‌گیرد و از مرز یک نیایش فردی فراتر می‌رود. افزون بر آن از تحلیل سه‌سطحی فرکلاف استنباط می‌شود که این دعا با گزینش‌های واژگانی و نحوی دقیق، رابطه بنده و خدا را در قالبی توحیدی و فروتنانه می‌سازد، در عین حال جامعه شیعی را به‌صورت یک «ما»ی منسجم و عدالت‌خواه بازنمایی می‌کند. ارجاعات گسترده به قرآن و سنت، سلام بر پیامبر و امامان، و فرازهای مرتبط با «دولت آرمانی» و «قاصم الجبارین» به متن بُعدی سیاسی-ایدئولوژیک می‌بخشند که مقاومت در برابر ظلم و امید به تحقق عدالت جهانی را مشروعیت می‌دهد. این دعا در طول تاریخ، به‌ویژه در دوران‌های سلطه و بحران، به ابزاری برای حفظ هویت شیعی و بازتولید گفتمان مهدوی تبدیل شده است؛ بنابراین، دعای افتتاح را می‌توان

(عزت ملا ابراهیمی، زاهد مهدویان مقدم)

نمونه‌ای برجسته از گفتمان دینی - انتقادی دانست که نه تنها تجربه‌ای معنوی، بلکه طرحی برای بازسازی نظم اجتماعی و تحقق جامعه‌ای عادلانه را پیش روی مؤمنان قرار می‌دهد.



## منابع و مآخذ

### قرآن کریم

- آفاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۲). *فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*. تهران: نشر علمی.
- آل رسول، سوسن؛ رهنما، سیده فاطمه. (۱۳۹۰). «تحلیل نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زبان امام معصوم علیه السلام در دعای افتتاح». *سفینه*. سال هشتم، شماره ۳۰. صص: ۱۲۲-۱۴۰.
- ازگلی، محمد؛ حاجی ملامیرزایی، حمید. (۱۳۹۶). «درآمدی بر شناخت دولت آرمانی مکتب تشیع (دولت کریمه امام عصر علیه السلام) مورد پژوهی: دعای افتتاح». *همایش بین المللی دکترین مهدویت عصر ظهور در ادیان ابراهیمی*: (مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت) جلد ۲. صص: ۱۱۳-۱۴۰.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۲۰۰۱). *دلایل الإعجاز*. به کوشش محمود محمد شاکر. قاهره: مکتبه الخانجی.
- جعفری، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). «فتح سحر از ظلمت شب». *ضمیمه خردنامه همشهری*. شماره ۷۲. صص: ۲-۳.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ ق.). *الامالی*. بیروت: دار الثقافة.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل گفتمان انتقادی*. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قهرمانی، علی؛ بیدار، فاضل. (۱۳۹۸). «تحلیل گفتمان انتقادی در نهج البلاغه بر اساس تئوری نورمن فرکلاف (مطالعه موردی خطبه‌های علی علیه السلام در جریان فتنه‌های خوارج)». *پژوهش نامه امامیه*. شماره ۹. سال ۵. صص: ۱۷۵-۱۹۸.
- قهرمانی، مریم. (۱۳۹۲). *ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان: رویکرد نشانه‌شناختی*. تهران: مؤلف.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۲۳ ق.). *زاد المعاد*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- مفتاح، محمد. (۱۹۹۲). *تحلیل الخطاب الشعری*. بیروت: المركز الثقافی العربی.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق.). *الارشاد*. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۵). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. چاپ دوم. تهران: آگه.
- مک دانل، دایان. (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه حسینعلی نوزری. تهران: فرهنگ گفتمان.
- مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). *ترجمه و شرح دعای افتتاح*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نعمتی، جواد. (۱۴۰۳). «ویژگی‌های فرهنگی دولت مهدوی در دعای افتتاح». *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*. شماره ۶۴. صص: ۷۱-۸۴.
- هارت، کریستوفر. (۱۳۹۸). *تحلیل گفتمان انتقادی و علوم شناختی*. ترجمه مسعود دهقان و همکاران. تهران: نویسه پرسی.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- ون دایک، تتون. (۱۳۸۷). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی*. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.



## An Analysis of Power Relations, Identity, and Ideology in Shi'a Religious Discourse Based on Norman Fairclough's Theory (Case Study of the Efteth Prayer)

Ezzat Molla Ebrahimi <sup>1</sup> Zahed Mahdavian Moghaddam <sup>2</sup>

Received: October 22 , 2025

Revised: November 29 , 2025

Accepted: November 30 , 2025

### Abstract

*Du'ā al-Iftitāh*, one of the most significant Shi'i supplications recited during the month of Ramadan, carries ideological and identity-forming implications that extend beyond individual worship. Using Norman Fairclough's three-dimensional model of Critical Discourse Analysis, this study examines the prayer at three levels: text, discursive practice, and social practice. At the textual level, the analysis of vocabulary and syntactic structures shows that the prayer links individual devotion with a collective project of justice through imperative verbs, plural pronouns, and key concepts such as "the ideal state" and "Qāsim al-Jabbārīn." At the level of discursive practice, the prayer is reproduced within collective ritual contexts and narrative traditions, gaining coherence and legitimacy through Qur'anic and hadith intertextuality. At the level of social practice, *Du'ā al-Iftitāh* embodies Mahdist ideology, reinforces Shi'i collective identity, and constructs a dialectical relationship between believers and the envisioned order of global justice. The findings indicate that *Du'ā al-Iftitāh* is a ritual-political text that functions simultaneously as a devotional, identity-forming, and resistance-oriented discourse, whose interpretation depends on its historical and social Shi'i context.

### Keywords

Critical Discourse Analysis, Norman Fairclough, Shi'i identity, Mahdist ideology, *Du'ā al-Iftitāh*.

1. professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran  
(Corresponding Author): mebrahim@ut.ac.ir

2. Ph.D. Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran: Zmahdavian88@gmail.com